

گلبرگ‌های سفید بنفشه

پژوهش در داستان‌های کوتاه و رمان (آثار برگزیده از: زویا پیرزاد)

افخم السادات کیا (مترجم)

(مدرس دانشگاه)

www.ketab.ir



نشریات

گلبرگ‌های سفید بنفشه

پژوهش در داستان‌های کوتاه و رمان (آثار برگزیده از: زویا پیرزاد)

افخم‌السادات کیا (غزل)

چاپ اول ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

مرکز پخش: م بهارستان، مخ مجاهدین اسلام، جنب مسجد شفا، کوچه شهید کشمش، شماره ۱۴

تلفن: ۰۹۱۲۵۸۴۶۱۰۹ - ۷۷۶۵۱۴۱۲ - فکس: ۷۷۵۳۶۴۵۶

سرشناسه: کیا، افخم‌السادات، ۱۳۵۲، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: گلبرگ‌های سفید بنفشه (پژوهشی در آثار زویا پیرزاد) / افخم‌السادات کیا

مشخصات نشر: تهران، طراوت، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۰-۸۴-۶

عنوان دیگر: پژوهشی در آثار زویا پیرزاد

موضوع: پیرزاد، زویا - نقد و تفسیر

موضوع: زنان داستان نویس ایرانی

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

موضوع: قصینیم در ادبیات

رده بندی کنگره: ۸۷۱۳۹۰ ی ۴۴ / PIR۳۹۱۲

رده بندی دیویی: ۸۱۴۳/۶-۲۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۰۴۰۷

یادداشت

ادبیات، نمایشگر زندگی و بیان‌کننده ارزش‌ها و معیارهایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آنها می‌چرخد. نقد و بررسی آثار ادبی را از دیدگاهی می‌توان درس زندگی نامید با همه گستردگی و تنوع و خصوصیات آن.

اصولاً ادبیات از دو دیدگاه ما را به زندگی پیوند می‌دهد: از گذرگاه عاطفی وقتی آن را می‌خوانیم؛ از گذرگاه خردورزی وقتی که آن را بررسی و نقد می‌کنیم.

این تحقیق با عنوان «پژوهشی در آثار زویا پیرزاد» انتخاب شده است. هدف اصلی از این پژوهش بیان مشخصات رئالیستی در آثار نویسنده و تشریح وضعیت زنان در جامعه و دیدگاه‌های فمینیستی در رمان‌های زنان ایران می‌باشد. از آنجا که ادبیات داستانی همیشه مورد توجه همگان است، با نگاهی به این رمان‌ها، از روی آثار نویسندگان زن، به دردها و رنج‌های آنان و علت‌های تاریخی و اجتماعی این آلام، پی می‌بریم.

علاوه بر آن دانشجویان عزیز کارشناسی و کارشناسی ارشد که تمایل به ارائه تحقیق و پایان‌نامه با موضوع تحلیل آثار نویسندگان معاصر دارند با مطالعه این کتاب یک روند منطقی و علمی و طرحی جامع را به عنوان راهکاری سازنده خواهند داشت.

بر خود لازم می‌دانم از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد که در راستای جمع‌آوری این کتاب یاری‌ام نمود قدردانی و سپاسگزاری نمایم همچنین از همسر و همراه همیشگی‌ام که همواره در راه رسیدن به اهدافم با تشویق و مساعدت و منشی والا و در خور ستایش یاریم کرد، تشکری فراوان می‌نمایم.

و با سپاس ویژه از ناشر محترم که با درک مشغله کاری‌ام، مساعدتی در خور تحسین نمودند.

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
---	-------------

فصل اول: تحلیل داده‌ها

۱۰	 جامعه
۱۲	 جامعه‌شناسی
۱۵	 آسیب‌شناسی زنان در جامعه معاصر ایران
۱۵	 جامعه‌شناسی و نقد اجتماعی
۲۳	 رابطه نقد اجتماعی با رئالیسم
۲۵	 جامعه‌شناسی ادبیات و نقد اجتماعی

فصل دوم: رمان

۲۸	 رمانس
۲۹	 داستان کوتاه
۳۱	 رمان
۳۱	 ویژگی‌ها و عناصر عمده رمان
۳۴	 برجسته‌ترین انواع زاویه دید
۳۵	 انواع مشهور رمان
۳۶	 گذری بر پیدایش رمان در اروپا
۴۳	 رمان در ایران

فصل سوم

۴۹	 فمینیسم
۵۴	 زمینه ایجاد فمینیسم در اروپا
۵۴	 نظریات و عقیده‌های فمینیسم‌ها
۵۴	 بنیانگذاران فمینیسم
۵۵	 دستاوردهای نهضت فمینیسم
۵۶	 نقد فمینیستی

۵۸	 کالبد شکافی رمان‌نویسی زنان ایران
۶۱	 دیدگاه‌های فمینیستی در رمان‌های زنان ایران
۷۰	 مشهورترین زنان نویسندگان ایران و غرب

فصل چهارم

۹۶	 زویا پیرزاد و معرفی آثار
۹۷	 جایگاه زویا پیرزاد در ادبیات داستانی معاصر ایران

فصل پنجم

۱۰۵	 تحلیل و جامعه‌شناسی آثار زویا پیرزاد
۱۰۵	 مثل همه عصرها
۱۱۵	 طعم گس خرمالو
۱۲۵	 یک روز مانده به عید پاک
۱۲۸	 تحلیل جامعه‌شناختی داستان‌ها
۱۳۷	 رمان عادت می‌کنم
۱۳۷	 خلاصه داستان
۱۳۹	 تحلیل اجتماعی داستان
۱۴۳	 درون مایه داستان
۱۴۴	 رمان چراغ را من خاموش می‌کنم
۱۴۴	 خلاصه داستان
۱۴۶	 تحلیل اجتماعی داستان
۱۵۱	 درون‌مایه داستان
۱۵۳	 تم و درون‌مایه آثار
۱۵۵	 نقد اجتماعی و دیدگاه‌های واقع‌گرایانه

فصل ششم

۱۶۹	 نتیجه‌گیری و تحلیل نهایی
-----	--------------------------------

« ادبیات، نتیجه فعالیت زیبایی‌شناسانه بر زبان است و با تصویرسازی و خیال‌پردازی خالقان آن همراه می‌باشد. اما در شرایط اجتماعی حاکم بر محیط نیز، رنگ می‌پذیرد. آثار ادبی همانند دیگر آثار هنری، بازتاب دهنده محیطی‌اند که در آن خلق شده‌اند. و تعهد شاعر، نویسنده یا هنرمند، هر اندازه بیشتر باشد، بازتاب شرایط محیط در آن گسترده‌تر و ژرف‌تر می‌گردد. نتیجه آن‌که با مطالعه و بررسی این گونه آثار می‌توان به فضای اجتماعی، سیاسی زمان و مکان آن‌ها پی برد.

رمان فارسی، عمری صد ساله دارد و نویسندگان ایرانی، در پی تحولات اجتماعی سیاسی و فرهنگی دوره مشروطه بوده و از طریق ترجمه رمان‌های تاریخی اروپایی با این قالب ادبی آشنا شده‌اند. تاکنون، این قالب ادبی از نظرگاه‌های گوناگون بررسی شده است، اما رویکرد جامعه‌شناختی آن چندان مورد توجه محققان نبوده است. جامعه‌شناسی رمان معاصر فارسی، با توجه به گسترش روزافزون علاقه به رمان‌نویسی و رمان‌خوانی در بین ایرانیان، اهمیت ویژه‌ای دارد.

علاوه بر این رمان‌های فارسی با توجه به جنبه‌های واقع‌گرایانه و اجتماعی آن و نیز از این حیث که با تاریخ معاصر پیوندی تنگاتنگ دارد، بهتر از شعر معاصر به پرسش‌های جامعه‌شناختی پاسخ می‌دهد.

در کشورهای غربی مانند ایران همزمان با پیدایش رمان، با وجود آنکه جوامعی مرد سالار بودند ولی زنان از همان آغاز ظهور فرم ادبی رمان، برخلاف عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و... در این عرصه حضور یافته و چنان این حضور را مسجل کردند که گستره رمان‌نویسی با نام آن‌ها پیوند خورد و امروزه منتقدان ادبی این هنر را « هنری زنانه » به شمار می‌آورند. برای روی آوردن زنان به نویسندگی دلایل متعددی ذکر کرده‌اند. کسانی همچون ویرجینیا وولف، شرایط اجتماعی و اقتصادی چون نیاز نداشتن نویسندگی به ارتباط با دنیای خارج، آموزش‌های منظم، بهره‌گیری از استادان بزرگ و هزینه‌های سنگین را در این امر دخیل دانسته‌اند. برخی دیگر شرایط بیولوژیکی زنان را مطرح کرده و به این نکته استناد می‌کنند که در گذشته زنانی از طبقه برتر جامعه با وجود در اختیار داشتن لوازم و امکانات برای یادگیری هنرهایی چون موسیقی و نقاشی، باز در شرایط یکسان

با مردان نتوانستند در این عرصه‌ها هم پای مردان گام بردارند پس روی آوردن و موفقیت آن‌ها در عرصه نویسندگی نیز بیش از همه با طبیعت و خصلت زنانه اش مرتبط است تا شرایط دیگر. بنابراین با اندکی مساعدتر شدن شرایط و اوضاع، زنانی از طبقه متوسط جامعه، برای اولین مرتبه در کنار مردان قرار گرفته و نگارش رمان را که در میان انواع نوشته‌ها، راحت‌ترین شکل نوشتن است و کمترین میزان تمرکز را می‌طلبد، آغاز کرده‌اند تا به شیوه‌ای راستین به ثبت وقایع و حوادث زندگی روزمره هم جنسانشان بپردازند.

زنان نویسنده مشکلات و دشواری‌هایی نیز در این راه در پیش رو داشتند که به عقیده وولف بزرگ‌ترین آن‌ها قیود درونی بود؛ برخی از این قیود، باورها و اعتقاداتی بودند که در جوامع مردسالار در طی قرون، به زنان قبولانده شده بودند.

این اعتقادات، ارزش‌هایی چون همسر و مادر نمونه، فداکار را به زن نسبت می‌دادند و او را فرشته خانه می‌کردند. در برابر اعطای این عنوان، او را از خروج از محیط خانه و قدم گذاشتن در حیطه کارهای دیگر که همگی منحصراً مردانه تلقی می‌شدند، برحذر می‌داشتند همین قیود بود که بسیاری از زنان را از شکوفا کردن استعدادهای خود، از جمله استعداد نویسندگی نیز محروم کرد. برخی دیگر از این قیود در وجود زنان او را از سخن گفتن درباره خود و جنسیتشان دور ساخت. زنان در گام اول در جهت خلق آثاری همانند آثار مردان و یافتن جایگاهی مساوی با آنان اقدام کردند. ولی این تلاش‌ها با مخالفت مردان و حتی نویسندگان بزرگی چون دیکنز و شکسپیر مواجه شد.

نویسندگان مرد سعی می‌کردند که زنان را در آثار خود چنان به تصویر بکشند که خود می‌خواهند نه آن چنانکه واقعاً هستند. آن‌ها زنان و آثاری را که بر پایه تجربیات زنانه‌شان نوشته شده بود، نفی کرده و فاقد ارزش می‌دانستند و در واقع اهمیت نوشته‌ها را بر پایه جنسیت نویسندگانشان ارزیابی می‌کردند. این مخالفت‌ها تا سال‌ها بعد ادامه یافت. تا اینکه بعد از قرن هجدهم، نام بسیاری از نویسندگان زن را از تاریخ ادبیات حذف کرده و نشانی کوچک از حضور آن‌ها در این گستره باقی نگذاشتند. به طوری که در سده نوزدهم اعتقاد به اینکه رمان «پهنه ویژه» مردان است چنان فراگیر بود که حتی به پیش کشیدن مفهوم «رمان‌نویس زن» نیز برای

برانگیختن احساس بدگمانی، ننگ، شگفتی و زن‌بارگی هرزه‌وار از هر سو نسبت به شخص مطرح کننده آن بسنده بود. «در حالیکه پیش از این و در طول سده هجدهم، تعداد این نویسندگان و اهمیت آثارشان به قدری بود که نویسندگان مرد به منظور کسب وجهه بیشتر و اقبال انتشار آثارشان زیر نقاب نویسندگان زن مخفی می‌شوند. نویسندگان اولیه برای مقابله با مخالفت‌ها، که عدم چاپ آثار و بی‌توجهی مخاطبان را در پی داشت، نام مستعار مردانه را برای خود برگزیدند. نمونه بارز این نویسندگان، جرج الیوت بود که با توافق همسر، نام او را بر خود نهاد.

هرچند اقدامات کارشکنانه مردان همچنان وجود داشت، اما زنان از راه خود باز نگشتند و عده‌ای از آنان در ادوار بعدی، به انعکاس مظلومیت جنس زن و درد و رنج‌های او در جامعه مرد سالار پرداخته و زبان به انتقاد گشودند و سرانجام بعد از ۱۹۲۰ نسل جدیدی از زنان تحصیل کرده مانند، مارگرت درابل، بریجید بروفی، پا به عرصهٔ رمان‌نویسی نهادند که کاملاً به وجود جنس مخالف بی‌اعتنا شده و برای متمایز شدن از آنان، شیوه‌های خاص نگارش و زبانی متفاوت از شیوه‌های مردانه را در آثارشان به کار گرفتند تا استقلال خود را از مردان اثبات کنند.

وضعیت زن ایرانی به گونه‌ای دیگر بود و او هنوز در دام آن قیود درونی اسیر بود و نقش فرشته و نگهبان خانه را به کامل‌ترین شکل برعهده داشت و نمی‌توانست به نویسندگی روی آورد و خود راوی قصهٔ زندگی خود باشد.

نخستین زن ایرانی سیمین دانشور بود که در سال ۱۳۲۷ با انتشار اولین مجموعهٔ داستان خود با قدرت وارد میدان نویسندگی شد. دانشور و اکثر زنانی که پس از او در این راه قدم گذاشتند، نتوانستند کاملاً خود را از نقش فرشتهٔ خانه بودن رها سازند ولی به هر حال هر کدام به سبک و شیوه‌ای به نمایش وضعیت، ذهنیت و تصویر هم‌نوعان خود در گذشته و حال پرداختند. مهم‌ترین آن‌ها از گذشته تا امروز عبارتند از: سیمین دانشور، شهرنوش پارسی‌پور، منیرو روانی‌پور، گلی ترقی، غزاله علیزاده و در نهایت زویا پیرزاد که از اوایل دههٔ هفتاد در کنار این گروه قرار گرفت. که آثاری به نام‌های سه کتاب «مثل همهٔ عصرها، طعم گس خرمالو، یک روز مانده به عید پاک»، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، عادت می‌کنیم را به تحریر درآورده است.

در این نوشته سعی بر آن است تا این آثار را از دیدگاهی جامعه‌شناسانه تحلیل کنم. عناصر ساختاری داستان در آن‌ها با توجه به عناصر برجسته و مهم داستان‌ها جامعه‌شناختی شده‌اند. مجموعه داستان‌های کوتاه به خاطر پیرنگ نبودن عناصر ساختاری در آن‌ها با توجه به عناصر برجسته و مهم داستان‌ها تفسیر شده‌اند. رمان‌ها نیز به صورت کلی مورد تحلیل و نقد اجتماعی قرار گرفته‌اند. باید خاطر نشان کرد که محدودیت‌های پژوهش‌های انجام شده در زمینه جامعه‌شناسی رمان معاصر فارسی مرا با مشکلات بسیاری روبرو ساخت اما با وجود همه موانع، سعی نمودم با در نظر گرفتن اهداف مورد نظر و فرضیه‌های این پژوهش، تحلیل مناسبی ارائه نمایم.